

بررسی تجمع زیستی فلزات سنگین ضروری (آهن، مس و روی) و نیمه ضروری (نیکل، کبالت و منگنز) در بافت خوراکی ماهی کپور (*Cyprinus carpio*) دریای خزر

حوریه یونسی پور^۱، حسن نصراله زاده ساروی^{۲*}، سید محمد تقی ساداتی پور^۱

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، گروه شیمی دریا، تهران، ایران، صندوق پستی: ۱۶۶۷۹۳۴۷۸۳

۲- پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، بخش اکولوژی، فرح آباد، ساری، ایران، صندوق پستی: ۹۶۱

تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۳۹۲

تاریخ پذیرش: ۱۵ بهمن ۱۳۹۲

چکیده

ماهی به عنوان منبع مهم از پروتئین، چربی و ویتامین‌های مختلف در یک رژیم غذایی متعادل جایگاه خاصی دارد. بعضی از فلزات سنگین برای بدن انسان ضروری می‌باشند اما اگر از حد مجاز بیشتر شود ضررهای جبران ناپذیری وارد خواهند کرد. از آنجایی که ماهی کپور دریای خزر از نظر ارزش غذایی و اقتصادی در ردیف سوم قرار دارد، لذا بررسی وضعیت بهداشت و سلامت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این تحقیق به منظور تعیین میزان فلزات سنگین ضروری (آهن، مس و روی) و نیمه ضروری (نیکل، کبالت و منگنز) در بافت خوراکی ماهی کپور دریای خزر صورت گرفته است. تعداد ۴۵ نمونه ماهی در منطقه شرقی حوزه جنوبی دریای خزر در چند صیدگاه جمع‌آوری گردید. بعد از بیومتری، بافت خوراکی (عضله) ماهی‌ها جدا شده و فریزدرایر گردید. سپس نمونه‌ها به روش هضم اسیدی آماده سازی شده و میزان فلزات سنگین مورد نظر با استفاده از دستگاه جذب اتمی مورد سنجش قرار گرفت. طبق بررسی‌های به عمل آمده میانگین غلظت آهن، روی و مس با خطای استاندارد (SE) به ترتیب برابر $(11 \pm 77/91)$ ، $(14 \pm 63/45)$ و $(2 \pm 12/11)$ و میانگین غلظت نیکل، کبالت و منگنز با خطای استاندارد (SE) به ترتیب برابر $(3 \pm 14/12)$ ، $(5 \pm 28/34)$ و $(54 \pm 3/29)$ میکروگرم بر گرم وزن خشک ثبت گردید. در این تحقیق میانگین غلظت فلزات سنگین به دست آمده در ماهی کپور دریای خزر بر حسب وزن تر پایین‌تر از حد اکثر میزان مجاز تعیین شده از سوی سازمان بهداشت جهانی بوده است.

کلمات کلیدی: دریای خزر، ماهی کپور، فلزات سنگین، بافت خوراکی.

* عهده دار مکاتبات (✉) hnsaravi@yahoo.com

مقدمه

امروزه محصولات دریایی نقش قابل توجهی در تامین غذای مردم جهان دارند. با شناسایی کیفیت و برتری غذایی این فرآورده‌ها بر دیگر مواد پروتئینی روز به روز بر مصرف آن افزوده می‌شود. به موازات افزایش مصرف این منابع و خصوصاً ماهیان، تامین بهداشت و سلامت آنان نیز اهمیت بیشتری می‌یابد که در این میان تشخیص و اندازه‌گیری فلزات سنگین، فرآیندهای بیولوژیکی و نیز تجمع زیستی آن‌ها، اهمیت زیادی دارد (الصاق، ۱۳۹۰).

فلزات سنگین مثل آهن، مس، منیزیم، مولیبدان، روی و... که به اصطلاح به آن‌ها Trace Elements می‌گویند، به مقادیر بسیار کمی برای ادامه رشد و بقای ارگانیسم‌های زنده مورد نیاز می‌باشند. بطوریکه اگر از حداقل مورد نیاز و ضروری افزایش یابند، باعث اختلال در رشد می‌گردند. حضور فلزات سنگین بیش از استانداردهای تعریف شده در محیط باعث بروز مشکلات و عوارض زیست محیطی برای ساکنان آن محل و اکوسیستم می‌گردد. تاثیرات فلزات سنگین روی انسان، مختلف بوده و عمده‌ترین آن مربوط به بروز اختلالات عصبی است. فلزات سنگین در آبزیان و جانداران دریایی ممکن است به شکل قابل دسترس متابولیکی باقی بمانند و یا به تدریج با تجمع در اندام‌های مختلف آبرزی، خاصیت سمی پیدا کنند (Elsagh et al., 2008).

مطالعات زیادی در خصوص اندازه‌گیری فلزات سنگین در ماهیان دریای خزر انجام شده

است که به اندازه‌گیری فلزات سنگین در اندام‌های داخلی و بافت ماهیچه کپورماهیان (امینی رنجبر و عزیززاده، ۱۳۷۸)، بافت‌های مختلف فیل ماهی و ازون برون (مشروفه و همکاران، ۱۳۹۱)، در بافت عضلانی سه گونه از ماهیان دریایی، کپور، کفال و سفید دریای خزر (شهریاری و همکاران، ۱۳۸۹)، بافت خوراکی ماهیان سفید و کپور جنوب مرکزی دریای خزر (الصاق، ۱۳۹۰)، بافت عضلانی ماهیان آزاد و سوف دریای خزر (واردی و همکاران، ۱۳۸۹) و بافت خوراکی ماهی کپور دریای خزر (نصراله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲) می‌توان اشاره نمود. در سال‌های اخیر جمعیت ماهیان دریای خزر کاهش چشمگیری داشته است که احتمالاً یکی از دلایل مهم آن آلودگی‌های مختلف از قبیل فلزات سنگین می‌باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت این نوع بررسی در محیط‌های آبی و از آنجایی که ماهی یکی از غذاهای اصلی در تامین نیازهای بدن می‌باشد مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۱ با هدف بررسی تجمع زیستی فلزات سنگین آهن (Fe)، روی (Zn)، مس (Cu)، نیکل (Ni)، کبالت (Co) و منگنز (Mn) که دارای غلظت و فراوانی بالایی در سیستم‌های آبی می‌باشند، در بافت خوراکی ماهی کپور دریای خزر انجام شده است. همچنین مقایسه داده‌های به‌دست آمده در بافت ماهی کپور با مطالعات انجام شده و استانداردهای جهانی از اهداف دیگر این مقاله می‌باشد.

مواد و روش‌ها

بر اساس ویژگی‌های توپوگرافی و سابقه مطالعاتی، ایستگاه‌های مورد نظر در منطقه شرقی

جدول ۱: موقعیت جغرافیایی ایستگاه‌های نمونه برداری در سواحل ایرانی حوزه جنوبی دریای خزر (سال ۱۳۹۱)

ردیف	نام ایستگاه	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی
۱	تعاونی پره طالقانی	۵۳ ۲۸ ۱۵	۳۶ ۵۲ ۰۰
۲	پره شهید حسین نژاد	۵۳ ۱۲ ۲۸	۳۶ ۵۰ ۰۴
۳	پره نوذرآباد گهرباران	۵۳ ۱۱ ۴۶	۳۶ ۴۹ ۴۶
۴	پره شهید قربانی	۵۳ ۱۰ ۱۱	۳۶ ۴۹ ۲۳
۵	پره جهان نمای فرح آباد	۵۳ ۰۸ ۲۶	۳۶ ۴۹ ۰۳
۶	پره کرفون	۵۲ ۴۹ ۱۳	۳۶ ۴۴ ۱۲
۷	پره تالار	۵۲ ۴۲ ۳۵	۳۶ ۴۳ ۴۷



شکل ۱: محل ایستگاه‌های نمونه برداری (پره‌های صیادی) در سواحل شرقی حوزه جنوبی دریای خزر (سال ۱۳۹۱)

سپس در محفظه داغ (هیتز دایجست) در دمای ۹۰ درجه سانتی گراد به مدت ۳ ساعت عمل هضم انجام گردید. پس از خنک شدن، نمونه‌ها با آب مقطر دوبار تقطیر و کاغذ صافی نمونه‌ها صاف شده و به حجم نهایی ۵۰ میلی لیتر رسانده شدند

حوزه جنوبی دریای خزر که به عنوان زیستگاه اصلی این ماهی بوده و بیش از ۹۵ درصد صید این گونه را در ناحیه دارا بوده است (نصراله زاده و همکاران، ۱۳۹۰) انتخاب گردیدند. مجموعاً تعداد ۴۵ نمونه ماهی کپور دریایی (*Cyprinus Carpio*) به منظور تعیین غلظت عناصر سنگین (آهن، مس، روی، نیکل، کبالت و منگنز) مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه‌های مورد نظر در پره‌های صیادی با استفاده از صید به روش پره‌های صیادی و طی ماه‌های مهر، آبان و آذر در سال ۱۳۹۱ تهیه گردیدند. موقعیت جغرافیایی ایستگاه‌های نمونه برداری، در جدول ۱ و شکل ۱ آورده شده است.

مشخصات نمونه‌های صید شده پس از تعیین جنسیت و بیومتری (اندازه طول کل و وزن) تنظیم و کدگذاری آن‌ها انجام گردید. سپس نمونه‌ها به آزمایشگاه آلاینده‌های زیست محیطی پژوهشکده اکولوژی دریای خزر منتقل شده و بلافاصله امعاء احشاء آن‌ها خالی و با استفاده از تیغ اسکالپل قسمت‌های عضلانی جدا شده و با آب مقطر دوبار تقطیر شستشو و در کیسه‌های پلاستیکی نگهداری و در دمای ۲۰- درجه سانتی گراد فریزر گردید. در زمان آنالیز عضلات فریزدرایر (خشک شدن کامل نمونه فریز شده در شرایط خلأ و سرما) شده و وزن تر و خشک نمونه‌ها یاد داشت و بعد از آن نمونه‌ها کاملاً پودر و همگن شدند. نمونه‌های آماده سازی شده به مقدار ۰/۳ گرم توزین و درون ویال ریخته و با افزودن ۴ میلی لیتر اسید نیتریک به مدت یک ساعت در دمای آزمایشگاه نگهداری شدند.

(MOOPAM, 2005). همچنین نمونه‌ای به عنوان شاهد برای تزریق دستگاه آماده‌سازی گردید.

غلظت نمونه‌های آماده‌سازی شده با استفاده از جذب اتمی (مدل Thermo-M5) مجهز به سه سیستم شعله، گرافیتی با لامپ زمینه دوتریم تعیین گردید. طول موج جذب برای فلزات آهن، روی، مس، نیکل، کبالت و منگنز به ترتیب ۲۴۸/۳، ۲۱۳/۹، ۲۲۴/۸، ۲۷۹/۵، ۳۵۷/۹ و ۲۳۲ نانومتر و حد تشخیص دستگاه (LOD) به ترتیب ۰/۰۰۸۴ppm، ۰/۰۰۴ppm، ۰/۰۰۳ppm، ۰/۰۰۷۱ppb و ۰/۰۰۴۸ppm بوده است.

برای محاسبه مقدار فلز مورد نظر در نمونه‌های ماهی بر حسب ppm وزن خشک از فرمول $C = \left(\frac{c * V}{W} \right)$ استفاده گردید.

c = مقدار فلز مورد نظر در نمونه بر حسب ppm با استفاده از منحنی کالیبراسیون،

V = حجم نهایی بر حسب میلی لیتر،

W = وزن خشک نمونه بر حسب گرم.

مقادیر مربوط به استانداردها و نتایج سایر تحقیقات در جداول قسمت بحث بر اساس وزن تر می‌باشد، لذا به منظور مقایسه از ضریب تبدیل وزن خشک به وزن تر ماهی کپور (۰/۲۵) برای نتایج مطالعه حاضر استفاده گردید.

محاسبه تجمع زیستی براساس فرمول زیر انجام گردید (Asha et al., 2010):

وزن خشک)
درصد تجمع زیستی =
(لیتر)

داده‌ها بر اساس رتبه بندی انتقال داده و سپس با رسم نمودار Q-Q و همچنین آزمون شاپیرو-ویلک

نرمال بودن آن تایید گردید (Siapatis et al., 2008). برای تجزیه و تحلیل آماری از آزمون‌های پارامتریک بر روی داده‌های نرمال شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها در برنامه آماری SPSS نسخه ۱۱/۵ استفاده گردید. جمع آوری داده‌ها در نرم افزار Excel, 2010 انجام گردید.

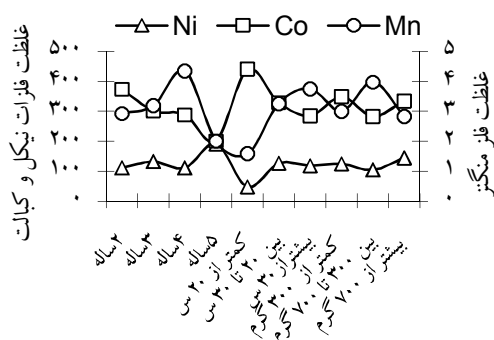
جهت طبقه‌بندی داده‌ها از آزمون مولفه اصلی (PCA) که روش ریاضی برای تقلیل داده‌ها است استفاده شد. منطق تحلیل عاملی کاهش مجموعه بزرگی از متغیرها به چند عامل اساسی است (غیاثوند، ۱۳۸۷). در این آزمون تعیین بار عاملی بین متغیرهای مختلف بر اساس چند کمیت تصادفی غیر قابل مشاهده (عامل یا فاکتور) با استفاده از داده‌های اصلی انجام می‌شود (Simeonov et al., 2001). در ابتدا آزمون شایستگی داده‌ها (کفایت نمونه برداری) تحت آزمون کیزر مایر (KMO) انجام شد. دامنه نوسان KMO بین صفر تا یک است. نحوه قضاوت در باره ضریب آزمون KMO بر اساس قاعده سر انگشتی (Rule of thumb) و تعداد نمونه‌ها می‌باشد.

نتایج

فلزات سنگین ضروری در وزن‌ها، سنین و طول چنگالی مختلف ماهی کپور دریای خزر

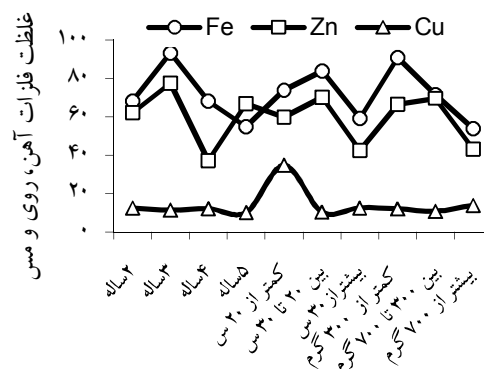
غلظت فلزات سنگین آهن، روی و مس بر حسب میکروگرم بر گرم وزن خشک سنجیده شد (شکل ۲). نتایج نشان داد که حداقل میانگین غلظت در وزن‌ها، سنین و طول چنگالی مختلف مربوط به فلز مس به ترتیب $(10/92 \pm 2/95)$ ، $(11/59 \pm 2/45)$ و $(10/54 \pm 1/52)$ و حداکثر غلظت مربوط به فلز آهن به ترتیب $(90/95 \pm 14/79)$ ، $(93/28 \pm 16/62)$ و

فوق در وزن‌ها، سنین و طول چنگالی مختلف معنی دار نبوده است ($p > 0.05$).



شکل ۳: میزان تغییرات فلزات سنگین نیمه ضروری ($\mu\text{g/g.dwt}$) در سن، طول چنگالی و وزن‌های مختلف ماهی کپور دریای خزر

($83/82 \pm 10/88$) بوده است. آزمون آنالیز واریانس (ANOVA) نشان داد که میانگین غلظت فلزات فوق در وزن‌ها، سنین و طول چنگالی مختلف معنی دار نبوده است ($p > 0.05$) و اما میانگین غلظت فلز روی در سنین مختلف معنی دار بوده است ($p < 0.05$).



شکل ۴: میزان تغییرات فلزات سنگین ضروری ($\mu\text{g/g.dwt}$) در سن، طول چنگالی و وزن‌های مختلف ماهی کپور دریای خزر

در این تحقیق آزمون همبستگی پیرسون (Pearson correlation) نشان داد که فلزات آهن با منگنز، روی با مس و کبالت با مس و نیکل همبستگی مثبت داشت. در بررسی متغیرهای شش فلز سنگین در بافت ماهی کپور به همراه طول، وزن و سن در آنالیز مولفه‌های اصلی (PCA) تغییرات شاخص KMO برابر 0.618 و آزمون بارتلت (Bartlett) دارای اختلاف معنی دار بوده است (جدول ۲). در آنالیز مولفه‌های اصلی شش متغیر فلز سنگین و سه متغیر زیست سنجی بر اساس منحنی سنگریزه‌ای (Scree plot) و مقدار ویژه (Eigenvalue) بالای یک، به سه مولفه (PC) با $69/9$ درصد از کل واریانس کاهش یافته است. در هر مولفه، متغیرهای دارای ضرایب بارعاملی (Loading Factor) بیش از 0.30 با توجه به تعداد نمونه‌ها در نظر گرفته شد. مولفه یک به تنهایی $34/4$ درصد از کل واریانس را شامل شده است. در

فلزات سنگین نیمه ضروری دروزن‌ها، سنین و طول چنگالی مختلف ماهی کپور دریای خزر

غلظت فلزات سنگین نیکل و کبالت برحسب نانوگرم بر گرم وزن خشک و منگنز بر حسب میکروگرم بر گرم وزن خشک در حوزه جنوبی دریای خزر مورد بررسی قرار گرفت (شکل ۳). نتایج نشان داد که حداقل میانگین غلظت در وزن‌ها، سنین و طول چنگالی مختلف مربوط به فلز منگنز به ترتیب $(2/83 \pm 0/23)$ ، $(2/92 \pm 0/27)$ و $(1/58 \pm 0/92)$ حداکثر غلظت مربوط به فلز کبالت به ترتیب $(348/05 \pm 50/7)$ ، $(373/29 \pm 51/97)$ و (440 ± 156) بوده است. آزمون آنالیز واریانس (ANOVA) نشان داد که میانگین غلظت فلزات

جدول ۳: روابط بین غلظت فلزات سنگین با سن، وزن و طول چنگالی در بافت عضله ماهی کپور دریای خزر در ماتریکس مولفه‌ها در آنالیز چند متغیره PCA (سال ۱۳۹۱)

Component			
PC3 (۱۷/۰%)	PC2 (۱۸/۵%)	PC1 (۳۴/۴%)	
-۰/۶۶۱	۰/۵۴۸		Fe (ppm)
		-۰/۵۷۳	Zn (ppm)
۰/۵۵۷	۰/۵۴۶		Cu (ppm)
	۰/۴۷۳		Ni (ppb)
۰/۴۸۰	۰/۴۴۸	-۰/۴۲۳	Co (ppb)
-۰/۶۳۰	۰/۵۷۱		Mn (ppm)
		۰/۹۲۱	طول چنگالی
		۰/۹۱۶	وزن
	۰/۴۱۰	۰/۸۱۲	سن

روش استخراج: آزمون مولفه اصلی، چهار مولفه استخراج شد

بحث

امروزه تحقیقات زیادی در رابطه با جذب فلزات سنگین در موجودات دریایی انجام شده است که نشان دهنده روند رو به افزایش این فلزات در اثر فعالیت‌های انسانی و سرازیر شدن آن به محیط‌های آبی می‌باشد. لذا هر گونه افزایش بیش از غلظت‌های طبیعی این فلزات، به اکوسیستم آسیب وارد می‌کند. سلامت بافت عضله ماهیان به عنوان اصلی‌ترین بخش مورد تغذیه انسان اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل در این مطالعه غلظت شش فلز ضروری (آهن، مس و روی)، نیمه ضروری (نیکل، کبالت و منگنز) در بافت عضله ماهی کپور دریایی مورد بررسی قرار گرفت.

این مولفه متغیرهای زیستی به همراه فلزات روی و کبالت مشارکت داشته است (جدول ۳). مولفه‌های دو با واریانس ۱۸/۵ درصد از کل واریانس را شامل شدند. در این مولفه عناصر آهن، مس، نیکل، کبالت و منگنز مشارکت داشته‌اند (جدول ۳). مولفه سوم با واریانس ۱۷/۰ درصد عناصر آهن، مس، کبالت و منگنز مشارکت داشته است.

جدول ۲: آزمون‌های Bartlett و KMO در آنالیز آماری چند متغیره PCA برای فلزات سنگین و پارامترهای سن، وزن و طول چنگالی در بافت عضله ماهی کپور دریای خزر (سال ۱۳۹۱)

آزمون کیزر مایر (اندازه گیری کفایت نمونه برداری)		
۰/۶۱۸	آزمون مربع کای	۲۰۳/۸۳۸
	درجه آزادی	۳۶
۰/۰۰	معنی دار بودن	

آزمون بارتلت (ارزشیابی وضعیت ماتریس همبستگی بین متغیرها)

باتوجه به جدول ۳ مشاهده شد که با افزایش طول چنگالی، سن و وزن، غلظت فلزات آهن و کبالت کاهش می‌یابد.

تعیین فاکتور تجمع زیستی (Bioaccumulation Factor)

آمار توصیفی تغییرات تجمع زیستی فلزات سنگین به همراه طول چنگالی، وزن و سن ماهی کپور در حوزه جنوبی دریای خزر در جدول ۴ نشان داده شده است. فاکتور تجمع زیستی برای فلز روی بالاترین و برای فلز کبالت کمترین غلظت مشاهده شد.

جدول ۴: آمار توصیفی تغییرات فاکتور تجمع زیستی (Bioaccumulation Factor) فلزات سنگین به همراه طول چنگالی، وزن و سن ماهی کپور دریای خزر (سال ۱۳۹۱)

فاکتور	میانگین انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
BAF (Fe)%	۲۷/۰۶	۲/۸۷	۱۱۷/۳۰
BAF (Zn)%	۳۲۵/۴۲	۴۷/۸۷	۲۰۷۶/۹۰
BAF (Cu)%	۱۱۵/۳۸	۱۵/۷۶	۵۷۳/۰۰
BAF (Ni)%	۴/۶۴	۰/۵۱	۱۴/۰۰
BAF (Co)%	۳/۴۰	۰/۳۰	۹/۸۳
طول چنگالی	۲۶/۲	۰/۸۲	۴۳/۵
وزن	۳۹۶/۷۸	۳۹/۸۱	۱۴۰
سن	-	-	۵

نتایج مطالعات متعدد در تجمع فلزات در ماهیان در محیط زندگی شان نشان داد که در بافت‌های مختلف درصد جذب و سرعت خروج آن‌ها متفاوت بوده است. معمولاً ترتیب تجمع آن‌ها در بافت بدین صورت است: $Fe > Zn > Pb > Cu > Cd > Hg$. در اکثر ماهیان تجمع روی (Zn) تقریباً $300 \mu g/g dw$ و برای فلزات سرب (Pb) و مس (Cu) کمتر از $10 \mu g/g dw$ بوده است (Jezierska and Witeska, 2001). در تحقیق حاضر ترتیب فلزات اندازه گیری شده به صورت $Fe > Zn > Cu > Mn > Co > Ni$ بوده است که با نتایج بررسی فوق همخوانی دارد (با فلزات مشترک) در ضمن میانگین غلظت به دست آمده برای این فلزات نیز در محدوده غلظت فلزات فوق (به غیر از فلز مس) بوده است.

غلظت نیکل در این تحقیق در ماهیان با کمترین طول، وزن و سن بیشترین غلظت را نشان داده است. احتمالاً وجود نیکل می‌تواند از آلودگی‌های نفتی حاصل شود. در منطقه امیر آباد و

شرق مازندران تردد کشتی‌ها (به دلیل گمرک)، لنج‌ها و قایق‌های ماهی‌گیری) زیاد بوده و آلودگی نفتی و در کنار آن آلودگی بعضی از فلزات را سبب می‌شوند. روند تغییرات فلز کبالت کاملاً بر عکس فلز نیکل بوده است، یعنی غلظت کبالت در ماهیان بزرگ‌تر و مسن‌تر بیشتر بود. دو فلز کبالت و نیکل در سطح معنی‌داری ($P < 0.05$) دارای همبستگی منفی می‌باشند.

ماهی کپور با طول بیش از ۱۸ میلی‌متر از آبریان کفزی تغذیه می‌کند. بنابراین آلودگی رسوبات می‌تواند باعث آلودگی موجودات کفزی کوچک و به دنبال آن انتقال آلودگی به ماهیان کفزی و بتوز خوار شود. بر اساس نتایج این تحقیق در ماهی کپور دریای خزر به دلیل رژیم غذایی بتوزخواری دارای غلظت بالایی از فلز روی در بافت عضله بوده است که با نتایج نصراله زاده و همکاران (۱۳۹۰)، Kidwell و همکاران (۱۹۹۵) و Ney و

Hassel Van (۱۹۸۳) هماهنگی دارد. در بررسی‌های بعضی از پژوهشگران Norseth و Aaseth (۱۹۸۶) آمده است که فلزات روی و مس در کلیه، بیشترین و در عضله کمترین تجمع را دارند. این مسئله به حضور پروتئین‌هایی با وزن مولکولی پایین (Metal Iothionein) در این بافت‌ها که فلزات سنگین را مجبوس می‌کنند، مرتبط می‌باشد. فلزات روی و مس می‌توانند در محل‌هایی ذخیره شوند و به بافت‌های دیگر انتقال داده شوند، یا اینکه مجدداً به چرخه‌های حیاتی متعدد وارد شوند. مطالعه Zauka و همکاران (۱۹۹۹) در دریای Barents نشان داد که غلظت مس در ۱۵ گونه

دریایی کمتر از حد مجاز تعیین شده به وسیله قانون کشورهای اروپایی بوده است. آن‌ها هیچ گونه همبستگی معنی داری بین غلظت فلزات در کبد، عضله و طول و وزن مشاهده نکردند که تحقیق کنونی نیز با آن همخوانی دارد. غلظت فلز منگنز روند خاصی را نشان نمی دهد. رابطه بین غلظت فلزات سنگین در شش گونه از ماهیان شمال شرق دریای مدیترانه نیز نشان داد که ارتباط معنی داری بین تجمع فلزات و اندازه ماهی وجود ندارد (Canli and Atli, 2003).

در این تحقیق فاکتور تجمع زیستی (BAF) برای فلز روی، بالاترین غلظت را داشته که نشان می دهد، غلظت در معرض گذاشته در محیط آبی در مقایسه با تجمع آن در بافت ماهی کمتر بوده است. کمترین مقدار تجمع (BAF) در فلز کبالت مشاهده شده است که غلظت در معرض گذاشته در محیط آبی در مقایسه با تجمع آن در بافت ماهی بیشتر بوده است. Demirak و همکاران در سال ۲۰۰۶ در مطالعات خود بیان داشتند، طول، وزن، جنسیت، عادت تغذیه ای، نیازهای اکولوژیک، غلظت فلزات سنگین در آب و رسوب، مدت زمان ماندگاری ماهی در محیط آبی، فصل صید و خواص شیمیایی آب (شوری، سختی، دما) عوامل موثر در تجمع فلزات سنگین در اندام های مختلف ماهی می باشند.

توانایی موجودات جهت جذب، تجمع و سم زدایی فلزات به طور اساسی متفاوت می باشد. یکی از اساسی ترین مسئله در ارتباط با فلزات سنگین عدم متابولیزه شدن آن‌ها در بدن می باشد.

در واقع فلزات سنگین پس از ورود به بدن، از بدن دفع نشده و در بافت هایی مثل چربی، عضلات، استخوان ها و مفاصل رسوب کرده و انباشته می گردند که همین امر موجب بروز بیماری ها و عوارض متعددی در بدن می شود. به طور کلی می توان گفت، تفاوت غلظت در بافت های مختلف ماهیان می تواند ناشی از تفاوت توان فلزات در غلبه بر پیوندهای فلزی پروتئین نظیر متالوتیونیدین ها باشد. گونه هایی که دارای مقادیری مشخص از متالوتیونیدین ها باشند می توانند سمیت این فلزات را از بین ببرند. معمولاً بافت عضله ماهیان دارای پایین ترین مقادیر غلظتی فلزات می باشد. (مشروفه و همکاران، ۱۳۹۱) همچنین تفاوت نیازهای اکولوژیک، فعالیت های متابولیک ماهیان و نوسانات در آلودگی آب غذا و رسوبات می تواند از دیگر عوامل مهم تلقی شوند. میزان جذب و تجمع فلزات در ماهی می تواند تحت تأثیر شرایط فیزیکی و شیمیایی آب، غلظت فلزات در آب و رسوب، عادت تغذیه ای و عوامل دیگر باشد.

در جدول ۵ میزان فلزات سنگین در کپور ماهیان (Cyprinidae) و کفال ماهیان (Mugilidae) در مناطق جغرافیایی مختلف درج شده است. در این جدول مقدار آهن در کپور ماهیان، نسبت به ماهی سفید دریای خزر غلظت بیشتر و نسبت به کپور معمولی دریای آتلانتیک و *Mugil auratus* غلظت خیلی کمتری داشته است. میزان فلز روی و مس در عضله ماهی کپور در حوزه جنوبی دریای خزر مقادیر بسیار بیشتری را نسبت به گونه ماهی سفید سواحل جنوبی دریای خزر و کپور معمولی

دریاچه آتاتورک ترکیه نشان می‌دهد ولی غلظت این دو فلز در *Mugil auratus* مقادیر بالاتری نسبت به گونه کپور دریای خزر و سایر گونه‌ها در سایر مناطق جغرافیایی نشان داده‌است. میزان تجمع فلزات نیکل در عضله ماهی کپور در تحقیق کنونی بیشتر از سایر مناطق بوده‌است (جدول ۵).

از آنجایی که نتایج به دست آمده در هر تحقیقی در کنار استانداردها اعتبار پیدا می‌کنند، نتایج تحقیق کنونی برای مقایسه با استانداردها بر حسب وزن تر محاسبه شده و با استانداردهای مجاز تعیین شده

فلزات سنگین در سازمان بهداشت جهانی، اتحادیه اروپایی، سازمان خواربار کشاورزی، انجمن بهداشت استرالیا، وزارت کشاورزی و شیلات و مواد غذایی انگلستان و چند کشور اروپایی و اداره غذا و دارو در جدول ۶ مقایسه شده است. براساس نتایج به دست آمده در بررسی حاضر میزان تجمع فلزات آهن، روی، مس، نیکل، کبالت و منگنز در عضله ماهی کپور دریای خزر پایین‌تر از حد مجاز اتحادیه اروپایی، سازمان بهداشت جهانی، انجمن بهداشت استرالیا، و... بوده است.

جدول ۵: مقایسه غلظت فلزات سنگین در بافت خوراکی ماهیان در نقاط مختلف دنیا و دریای خزر (برحسب ppm وزن تر)

منابع	Mn	Co	Ni	Cu	Zn	Fe	منطقه جغرافیایی	ماهی مورد مطالعه
تحقیق حاضر	۰/۸۲	۰/۰۸	۰/۰۳۳	۳/۰۲۸	۱۵/۸۶	۹/۴۸	سواحل شرقی حوزه جنوبی دریای خزر	<i>Cyprinus carpio</i> (کپور دریایی)
نصراله‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)	-	-	nd	۰/۹۲	۱/۴۶	-	آب‌های ایرانی سواحل دریای خزر	<i>Cyprinus carpio</i> کپور دریایی
واردی و همکاران (۱۳۸۹)	-	-	<۰/۰۴۸	۰/۰۱۳	۰/۴۰	۰/۰۰۸	فرح آباد ساری	<i>R. frisii kutum</i> (ماهی سفید)
واردی و همکاران (۱۳۸۵)	-	-	۰/۴۰۹	۱۰/۸۳	۲۱۷/۸۱	-	آب‌های ایرانی سواحل دریای خزر	<i>Lizza auratus</i>
Anan et al., 2005	-	-	-	۱/۰۱	۱۷/۲	-	سواحل جنوبی دریای خزر	<i>R. frisii kutum</i> (ماهی سفید)
Zeynali et al., 2009	-	-	-	۳/۳۹	۷۳/۸۱	۹۴/۷۸	آتلانتیک جنوبی (اسپانیا)	<i>Cipirus carpio</i> (کپور معمول)
Zeynali et al., 2009	-	-	-	۳/۶۹	۳۷/۹۹	-	آتلانتیک جنوبی (اسپانیا)	<i>R. frisii kutum</i> (ماهی سفید)
Karadede et al., 2004	-	-	nd	۲/۲۳	۹/۷۲	۱۱/۵۱	سد آتاتورک (ترکیه)	<i>Cipirus carpio</i> (کپور معمول)
Zeynaly et al., 2009	-	-	-	۳/۱۴	۴۳/۴۶	۸۱/۱۱	سواحل جنوبی دریای خزر	<i>Mugil auratus</i>
Dobrowolski And Skowronska, 2006	-	-	-	-	۵۵/۶۵	-	سد زمبوزیس (لهستان)	<i>Rutilus rutilus</i> (ماهی کلمه)

جدول ۶: مقایسه میانگین غلظت فلزات سنگین ماهی کپور دریای خزر با ماکزیمم غلظت قابل قبول فلزات سنگین (بر اساس استانداردهای بهداشت جهانی، انجمن بهداشت استرالیا و ...) (بر حسب میکرو گرم بر گرم وزن تر)

استانداردها و محل جغرافیایی	Mn	Co	Ni	Cu	Zn	Fe	References
WHO	۱/۰	۰/۰۱	۰/۴	-	۱۵۰	۱۰۰	Biney and Ameyibor, 1992
FAO	-	-	-	۳۰	۴۰	۱۰۰	FAO, 1983
EC	-	-	-	-	-	-	EC, 2005
UKMAFF ⁴	-	-	-	۳۰	۵۰	-	Merian, 1992; MAFF, 1995
New Zealand	-	-	-	۲۰	۴۰	-	Nauen, 1983
-	۰/۸۲	۰/۰۸	۰/۰۳۳	۳/۰۲۸	۱۵/۸۶	۹/۴۸	تحقیق حاضر (۱۳۹۱)

منابع

۱. الصاق، ا.، ۱۳۹۰. ارزیابی تراکم روی، مس، کبالت و منگنز در بافت خوراکی ماهیان سفید و کپور دریای خزر، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، ۴، ۱۱۳-۱۰۷.
 ۲. امینی رنجبر، غ.، علیزاده، م.، ۱۳۷۸. اندازه گیری مقادیر فلزات سنگین (Cd, Pb, Cu, Zn, Cr) در سه گونه از کپور ماهیان پرورشی، مجله پژوهش و سازندگی، شماره ۴۰ و ۴۱ و ۴۲، ۱۴۹-۱۴۶.
 ۳. شهریاری، ع.، گلفیروزی، ک.، نوشین، ش.، ۱۳۸۹. میزان تجمع کادمیوم و سرب در بافت عضلانی سه گونه از ماهیان دریایی کپور، کفال و ماهی سفید سواحل دریای خزر در حوضه خلیج گرگان در سال ۸۶-۸۵، مجله علمی شیلات ایران، ۲، ۹۹-۹۵.
 ۴. غیاثوند، ا.، ۱۳۸۷. کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده ها، انتشارات لویه، ۳۱۳ صفحه.
 ۵. مشروفه، ع. ر.، ریاحی بختیاری، ع. ر.، پورکاظمی، م.، ۱۳۹۱. بررسی میزان فلزات کادمیوم، نیکل، وانادیوم و روی در بافت های مختلف فیل ماهی و ازون برون و ریسک ناشی از مصرف بافت عضلانی آن ها مربوط به حوزه جنوبی دریای خزر.
- نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین غلظت فلزات و همچنین تجمع زیستی برخی از آن ها در ماهیان جوان بیشتر از ماهیان مسن بوده است. در میان شش فلز مورد بررسی بالاترین تجمع زیستی مربوط به فلزات روی در بافت خوراکی کپور دریای خزر ثبت گردید. نتایج آماری نشان داد که بین غلظت و تجمع زیستی فلزات و وزن، طول استاندارد و سن ماهی رابطه معنی دار منفی وجود داشته است. با توجه به نتایج این تحقیق و تجمع این فلزات ترجیحاً مصرف وزن های متوسط ماهی کپور دریای خزر توصیه می گردد.

سپاسگزاری

بدینوسیله از روسای محترم موسسه و پژوهشکده اکولوژی دریای خزر که همواره به کارهای تحقیقاتی توجه داشته اند کمال تشکر را داریم. همچنین از همکاران آزمایشگاه های آلاینده و آنالیز دستگاهی پژوهشکده که در این کار همکاری داشته اند تشکر و قدردانی می گردد.

خزر. گزارش نهایی. ساری، پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، ۱۹۶-۱۹۱.

10. Asha, P. S., Krishnakumar, P. K., Kaladharan, P. Prema, D. Diwakar, K. Valsala and K. K. G. and Bhat S., 2010. Heavy metal concentration in sea water, sediment and bivalves of Tuticorin, Journal of the Marine Biology Association India, 52(1), 48-54.
11. Aaseth, J., Norseth, T., 1986. In Hand book on The Toxicology of Metals, 2nd Ed. Vol (L. Friberg, G.F. Nordberg and V.B. Vouk, eds), Elsevier Amsterdam, 233-254.
12. Anan, A., Takashi, K., Shinsuke, T., Igor, M., David G.A., 2005. Trace element accumulation in fishes collected from coastal waters of the Caspian Sea. Marine Pollution Bulletin, 51(8-12), 882-888.
13. Biney, C.A., Ameyibor, E., 1992. Trace metal concentrations in the pink shrimp *Penaeus notialis*, from the coast of Ghana. Water, Air, & Soil Pollution, 63(3-4), 273-279.
14. Canli, M., Atli, G., 2003. The relationship between heavy metal (Cd, Cr, Cu, Fe, Pb, Zn) levels and the size of six Mediterranean fish species. Environment pollution, 121, 129-136.
15. Demirak, A., Yilmaz, F., Tuna A.L., Ozdemir, N., 2006. Heavy metals in water, sediment and tissue of leuciscus from a stream in southwestern turkey. Chemosphere, 63(9), 1451-1458.
16. Dobrowolski, R., Skowrońska, M., 2006. The study of trace metal levels in select environmental components of the Zemborzyce Reservoir. Polish Journal of Environmental Studies, 15(4), 537-542.
17. EC (European Commission). 2005. As regards heavy metals. Official Journal of the European Union. Commission Regulation. No 78/2005. No 466/2001, 215 p.
18. Elsagh, A., Mollaie, M., Messbah A., 2008. Cadmium pollution study on the surface in the Bandar Abbas shore line. The 4th National conference of Geology and Environment. Islamic Azad University Eslamshahr Branch, 121.
19. FAO, 1983. Compilation of legal limits for hazardous substance in fish and fishery products. FAO Fishery Circular, 464, 5-100.

مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. شماره ۹۶، صفحات ۹۷-۹۰.

۶. نصراله زاده ساروی، ح.، یونسی پور، ح.، غلامی پور، س.، رضایی، م.، علومی، ی.، نصراله تبار، ع.، احمد نژاد، ا.، سلیمانی رودی، ع.، سعیدی، ع.ا.، ابراهیم زاده، م.، طهماسبی، م.، قانع، م.، طالشیان، ح.، پور غلام، ر.، فیروزکنندیان، ش. ۱۳۹۰. تعیین میزان آلاینده های فلزی (آب، رسوب، ماهی) در منطقه جنوبی دریای خزر. ساری، پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، ۱۳۸ صفحه.
۷. نصراله زاده، ح.، پور غلام، ر.، پور رنگ، ن.، رضایی، م.، مخلوق، آ.، یونسی پور، ح.، ۱۳۹۲. مطالعه تجمع برخی از فلزات سنگین در بافت خوراکی ماهی کپور (*Cyprinus carpio*) و برآورد میزان سیل خطر در حوزه ایرانی دریای خزر. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره بیست و سوم، شماره ۱۰۳، صفحات ۴۵-۳۴.
۸. واردی، ا.، ۱۳۸۵. ارزیابی غلظت عناصر در بافت های عضلانی ماهیان آزاد (*Salmonidae*)، سوف (*Percidae*) و کفال طلائی (*Mugilidae*) حوزه جنوبی دریای خزر. مجموعه مقالات اولین کنگره عناصر کمیاب ایران. معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ایران، صفحه ۱۹۷.
۹. واردی، ا.، نصراله زاده ساروی، ح.، نجف پور، ش.، واحدی، ف.، غلامی پور، س.، یونسی پور، ح.، علومی، ی.، طالشیان، ح.، احمد نژاد، ا.، ۱۳۸۹. پروژه بررسی آلاینده های زیست محیطی (فلزات سنگین، هیدرکربورهای نفتی، سورفاکتانت ها و سموم کشاورزی) در سواحل جنوبی دریای

- Archives of Environmental Contamination and Toxicology, 12, 701–706.
27. Nauen, C.E., 1983. Compilation of legal limits for hazardous substance in fish and fishery products. FAO Fisheries Circular. 764. Rome: FAO, 102.
 28. Simeonov, V., Sarbu, C., Massart, D. L., Tsakovski, S. 2001. Danube River Water Data Modelling by Multivariate Data Analysis. Springer-verlag. Mikrochim. Acta, 243-248.
 29. Siapatis, A., Giannoulaki, M., Valavanis, V. D., Palialexis, A. Schismenou, E., Machias, A., Somarakis, S., 2008. Modelling potential habitat of the invasive ctenophore *Mnemiopsis leidyi* in Aegean Sea. Hydrobiologia, 612, 281–295.
 30. Zauka, G.P., Savinov, V.M., Ritterhoff, J., Savinova, 1999. Heavy metals in fish from the Barent Sea. Science of the Total Environment, 227, 161-173
 31. Zeynali, F., Tajik, H., Asri, R.S., Meshkini, S., Fallah, A., Rahnama, M., 2009. Determination of Copper, Zinc and Iron levels in Edible Muscel of three Commercial Fish Species from Iranian Coastal water of the Caspian Sea. Journal of Animal Veterinary Advance, 8(7), 1285-1288.
 20. Jezierska, B., Witeska, M., 2001. Metal Toxicity to Fish, Wydawnictwo Akademii, Podlaskiej, Siedlce, 318 p.
 21. Karadede, H., Oymak, S.A., Unlu, E., 2004. Heavy metals in mullet, lizzeabu, and cat fish, silurustriostegus, from the Ataturk Dam lake (Euphrates), turkey. Environment International, 30, 183-188.
 22. Kidwell, J.M., Phillips, L.J., Birchard, G.F., 1995. Comparative analyses of contaminant levels in bottom feeding and predatory fish using the national contaminant biomonitoring program data, Bulletin of Environmental Contamination and Toxicology, 54, 919-923.
 23. MAFF, 1995. Monitoring and surveillance of non-radioactive contaminant in the aquatic environment and activities regulating the disposal of water at sea, 1993. Directorate of Fisheries Research, Lowestoft, 44, 68.
 24. Merian, E., 1992. Metals and their compounds in the environment. Analysis and Biological Relevance, Kabata Pendias and Pendias, 31, 102–103.
 25. MOOPAM, 2005. Manual of oceanographic observations and pollutant analyses methods, Kuwait, V28, V29.
 26. Ney, J.J., Van Hassel, J.H., 1983. Sources of variability in accumulation of heavy metals by fishes in a roadside stream,